

دنیای تهدید آمیز در داستان‌های ریموند کارور

ترجمه اسدالله امرایی



داستان

ریموند کارور
در سال ۱۹۳۸ در اورگون ایالات متحد به دنیا آمد.
در سال ۱۹۶۳ درس خود را تمام کرد.
سال‌های جوانی‌اش را با مشقت و سختی گذراند.
در سنین جوانی ازدواج کرد و مدتی بعد کارش به جدایی کشید.
سال‌های آخر عمر
به آرامشی نسبی دست یافته بود که اجل مهلت نداد و
در ۱۹۹۸ به بیماری سرطان از دنیا رفت.
شعر می‌گفت و داستان‌های کوتاهی را به چاپ می‌رساند.
کارور در اوایل دهه هفتاد
با نوعی نزدیکی به ارنست همینگوی
سبکی نو را پی‌ریزی کرد که
بیل بوفورد واقع‌گرایی عریان می‌نامند.
البته واقع‌گرایی عریان را
من در مقابل عبارت رنالیسم کثیف آورده‌ام.
ویژگی دیگر آثار کارور و
برخی دیگر از نویسندگان آمریکایی
مثل جان چیور، آن بیتی، ریچارد فورد و توبیاس وولف
ایجاز آن‌هاست.
این گروه را مینی‌مالیست لقب داده‌اند که
در داستان‌هایشان زوائد را حذف می‌کنند و
توضیح‌ها و تفسیرها را به حداقل می‌رسانند.
مینی‌مالیست‌ها،
در نوشتن داستان به داستان‌های کوتاه اولیه همینگوی
در مجموعه مردان بدون زنان و در زمانه ما نظر دارند.
البته خیلی کوتاه نوشتن مینی‌مالیسم نیست.
ریموند کارور
را پس از جان آهدایک،
چخوف آمریکا می‌نامند.
شاید علت آن علاقه او به چخوف بود.

یکی از بهترین درس‌های داستان‌نویسی آن است که علاوه بر نوشتن داستان، نویسنده باید داستان‌های دیگران را هم بخواند. آدم وقتی تعداد زیادی داستان می‌خواند به نتایج جالبی می‌رسد. اول آن که این روزها داستان‌های کوتاه خیلی خوبی نوشته می‌شود. اسم نویسنده مهم نیست خود کار اهمیت دارد. بعد خوب که نگاه می‌کنی می‌بینی اولین داستان چاپ‌شده نویسنده‌ای است که تا به حال اسمش را هم نشنیده‌ای. گاهی هم به داستان مزخرفی برمی‌خوری که شاید اگر اسم نویسنده را نمی‌دانستی میل به خواندن آن پیدا نمی‌کردی. در آمریکا سالانه حدود سی تا چهل هزار داستان کوتاه خوب نوشته می‌شود و همه ساله، در مرحله‌نهایی بررسی، از میان ۱۸۰۰ داستان، ۱۲۰ داستان به دست مولف مهمان می‌رسد که از میان آن‌ها بیست تا بیست‌وپنج داستان به عنوان بهترین داستان سال انتخاب می‌شود و در مجموعه‌ای به چاپ می‌رسد. من مجموعه سال ۱۹۸۴ را انتخاب کردم. این کار یکی از بهترین تجربه‌های زندگی من در مقام نویسنده بود.